



A Sociological Analysis of Periods of Shiite Hadith Sciences

Qasem Ebrahimipour¹

Received: 18/11/2020

Accepted: 10/07/2021

Abstract

The main issue of the current study is sociological examination of the periods of hadith sciences with the approach of basic methodology and the method of analysis of historical texts. During the six historical periods of hadith sciences, almost half of which have been growing and the other half have been declining, some factors such as belief in the adequacy of existing hadith works, the weight of the shadow of sciences such as jurisprudence and theology on hadith along with inappropriate division of labor, the prevalence of extremist rationalism, political repression and cultural turmoil, have declined hadith sciences, and factors such as individual characteristics of narrators such as questioning, being obligation-oriented and scientific interactions, political and economic support, the differentiation of scientific roles, the existence of an efficient educational system, the formation of organizational and group activities and easy access to scientific resources, have led to the growth of hadith sciences.

Keywords

Sociology of Hadith, Periods of Islamic Sciences, History of Hadith, Basic Methodology.

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational & Research Institute, Qom, Iran. ebrahimipour14@yahoo.com.

* Ebrahimipour, Qasem. (1400 AP). A Sociological Analysis of Periods of Shiite Hadith Sciences. Quarterly *Journal of Islam and Social Studies*, 9(33), pp. 8-40. DOI: 10.22081 / jiss.2021.59368.1727.

تحلیل جامعه‌شناختی ادوار علوم حدیث شیعه

قاسم ابراهیمی‌پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸

چکیده

بررسی جامعه‌شناختی ادوار علوم حدیث با رویکرد روش‌شناسی بنیادین و روش تحلیل متون تاریخی، مسئله اصلی پژوهش حاضر است. در طول شش دوره تاریخی علوم حدیث، که تقریباً نیمی از آن در رشد و نیم دیگر در افول بوده است، عواملی مثل باور به کفایت آثار حدیثی موجود، سنگینی سایه علمی مثل فقه و کلام بر حدیث در کنار تقسیم کار نامناسب، غلبه عقل‌گرایی افراطی، خفقان سیاسی و آشوب فرهنگی، افول و عواملی مثل ویژگی‌های فردی محدثان از جمله پرسشگری، تکلیف‌مداری و تعاملات علمی، حمایت‌های سیاسی و اقتصادی، تمایز نقش‌های علمی، وجود نظام آموزشی کارآمد، شکل‌گیری فعالیت‌های تشکیلاتی و گروهی و دسترسی آسان به منابع علمی، رشد علوم حدیث را به دنبال داشته است.

کلیدواژه‌ها

جامعه‌شناسی حدیث، ادوار علوم اسلامی، تاریخ حدیث، روش‌شناسی بنیادین.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران. ebrahimipoor14@yahoo.com

* ابراهیمی‌پور، قاسم. (۱۴۰۰). تحلیل جامعه‌شناختی ادوار علوم حدیث شیعه. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی،

DOI: 10.22081/jiss.2021.59368.1727

صص ۸-۴۰، ۹(۳۳).

مقدمه

«حدیث» از نظر شیعه یعنی کلام و فعل و تقریر معصوم و به اعتقاد اهل سنت، اصحاب و تابعین (العالمی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۰) است و به عنوان یکی از منابع مهم آموزه‌های دین در کنار قرآن، همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. بررسی‌های علمی درباره حدیث، به تدریج منجر به شکل‌گیری «علوم الحدیث» شامل دو بخش «روایه» و «درایه» و حوزه‌هایی مثل «جرح و تعدیل»، «غریب الحدیث»، «فقه الحدیث» و «تاریخ حدیث» شده است که تحولات فراوانی را در شش دوره تاریخی پشت سر گذاشته است.

دوره اول (از بعثت تا غیبت صغری)، به مدت ۲۷۲ سال، دوره صدور، دریافت، کتابت، تبویب و تدوین است و دوره دوم (۲۶۰-۴۶۰ق)، به مدت ۲۰۰ سال، دوره تدوین کتب اربعه و تکامل و دوره سوم (۴۶۰-۱۰۳۴ق)، به مدت ۵۷۴ سال، دوره رکود و دوره چهارم، (۱۰۳۴-۱۳۳۴ق)، به مدت ۱۰۰ سال، دوره شکوفایی و دوره پنجم (۱۳۳۴-۱۳۱۹ق)، به مدت ۱۸۵ سال، دوره توسعه و سرانجام دوره ششم (۱۳۱۹-۱۴۴۲ق)، به مدت ۱۲۳ سال، دوره شکوفایی دوم علوم حدیث است.

بنابراین با گذشت ۱۴۵۴ سال از بعثت نبی اکرم، ۲۷۲ سال از تاریخ حدیث به صدور و تدوین، ۴۲۳ سال به رشد و شکوفایی، ۱۸۵ سال به توسعه و ۵۷۴ سال نیز به رکود علوم حدیث اختصاص یافته است؛ یعنی حدیث، غیر از دوره تأسیس، نیمی از عمر خود را در رشد و نیم دیگر را در رکود به سر برده است.

در این پژوهش برآنیم تا تحولات گفته‌شده را بررسی جامعه‌شناختی کنیم؛ یعنی نسبت عوامل معرفتی و ظرفیت‌های راهبردی حدیث را از یک سو و عوامل فردی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را از سوی دیگر با تحولات مذکور، با روش تحلیل متون تاریخی واکاوییم.

۱. پیشینه

تدوین آثار تاریخی مستقل در عرصه حدیث از ویژگی‌های دوره معاصر است. آیت‌الله

بروجردی (م ۱۳۶۹ق) در مقدمه جامع احادیث الشیعه، علامه عسکری (بی تا) در نگاهی به سرگذشت حدیث، جعفریان (۱۳۶۸الف) در مقدمه‌ای بر تاریخ تدوین حدیث، معارف (۱۳۷۶) در پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مدیرشانه‌چی (۱۳۷۷) در تاریخ حدیث و الیوسفی الغروی (۱۴۲۴ق) در من تاریخ الحدیث، به بررسی تاریخی علوم حدیث پرداخته‌اند.

فرونی توجه به تاریخ حدیث در آثاری دیگر قابل مشاهده است، از جمله: دهقان (۱۳۸۳) در آمدی بر تاریخ تدوین و جوامع حدیثی، مؤدب (۱۳۸۴) تاریخ حدیث، علامه عسکری (۱۳۸۶) تاریخ حدیث پیامبر، غروی نایینی (۱۳۸۶) تاریخ حدیث شیعه، طباطبایی (۱۳۸۸) تاریخ حدیث شیعه (۱)، شفیع (۱۳۸۸) مکتب حدیثی شیعه در کوفه، سبحانی (۱۳۸۹) دور الشیعه فی الحدیث و الرجال، طباطبایی (۱۳۹۰) تاریخ حدیث شیعه (۲)، غلامعلی (۱۳۹۲) تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ.

۲. چارچوب نظری

تحلیل تحولات تاریخی حدیث، در این پژوهش با استفاده از نظریه «روش‌شناسی بنیادین» صورت گرفته است که نقطه آغاز علم را مسئله می‌داند و عوامل معرفتی، فردی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در ظهور مسائل و نظریه‌های علمی با دو نسبت درونی و بیرونی، مؤثر می‌شمارد (پارسانیا، ۱۳۹۲، صص ۴۱ - ۶۲).

۲-۱. عوامل معرفتی

عوامل معرفتی شامل مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی هستند که در فرهنگ حضور می‌یابند و تحقق و تحولات علمی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فرهنگ از این منظر، لایه‌ها و سطوح مختلفی دارد و عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی، عهده‌دار تفسیر انسان و جهان هستند (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۴۸)؛ از این رو عوامل معرفتی هم در جامعه و در عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی حضور دارند و باید آنها را در زمره عوامل

وجودی و در قلمروی جامعه‌شناسی معرفت تلقی کرد و هم تأثیر درونی و محتوایی در نظریه و علم دارند، پس باید برای آنها نقش علی قائل شد.

۲-۲. عوامل فردی

عوامل فردی موضوعاتی مثل کانون علایق، شخصیت، تمایزات نقشی و ارتباطات علمی را شامل می‌شوند. کانون علایق یا مسئله، پدیده‌ای است که بر اثر ناسازگاری در درون یک مجموعه فرهنگی به وجود می‌آید و به همین دلیل امری نسبی و تاریخی (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۵۵) و کاملاً تحت تأثیر جامعه است؛ اما در مورد دیگر ابعاد عوامل فردی مثل تأثیر جامعه در تکوین شخصیت، تمایز نقش‌های علمی و ارتباط میان دانشمندان، نقش اراده جدی‌تر است.

۲-۳. عوامل سیاسی

تأثیر عوامل سیاسی که به نسبت قدرت و علم توجه دارد، از منظر روش‌شناسی بنیادین، در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. فرهنگ دنیوی همان‌گونه که در لایه‌های عمیق خود، رویکردهای حس‌گرایانه را به دنبال می‌آورد، به سوی تقدم اراده انسانی بر حقیقت و علم نیز گام برمی‌دارد و به تدریج سیاست را بر ساختار درونی معرفت علمی حاکم می‌گرداند (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۵۲)، به‌ویژه هنگامی که برخی از گروه‌های اجتماعی نتایج تحقیقات علمی را به زیان منافع خود می‌دانند و به همین دلیل تلاش می‌کنند آن را محدود یا محو کنند (توکل، ۱۳۷۰، ص ۴۳).

۲-۴. عوامل فرهنگی اجتماعی

عوامل فرهنگی اجتماعی به زمینه‌های اجتماعی مؤثر در تحولات علمی اشاره دارد؛ چراکه نظریه از زمینه‌های معرفتی و زمینه‌های وجودی که بیشتر جنبه انگیزشی و غیرمعرفتی دارند نیز بهره می‌برد و تأثیر این دست از زمینه‌ها، کمتر از زمینه‌های معرفتی

نیست؛ البته باید توجه داشت که تأثیر زمینه‌های معرفتی و انگیزه‌ها و عوامل غیر معرفتی فردی و اجتماعی در تکوین نظریه‌های علمی در شرایط فرهنگی و تاریخی مختلف یکسان نیست و دست کم این تأثیرها در همه شرایط به صورتی واحد به رسمیت شناخته نمی‌شوند؛ بنابراین در فرهنگ‌هایی که حقایق علمی با صرف نظر از معرفت و آگاهی فردی و اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شوند و تأملات عقلی و دریافت‌های شهودی و وحیانی در بین نخبگان علمی حضور زنده دارند، تأثیر زمینه‌های معرفتی در آنها فعال‌تر است. در این نوع فرهنگ‌ها زمینه‌های معرفتی، برتری خود را بر انگیزه‌ها و عوامل غیر معرفتی حفظ می‌کنند؛ اما در فرهنگ‌هایی که به دلیل هویت سکولار خود و تحت تأثیر حس گرایی، عالم حقایق را محدود می‌کنند، دامنه تأثیر عوامل غیر معرفتی افزایش می‌یابد (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۵۴).

این گونه عوامل را می‌توان در دو دسته اجتماعی و فرهنگی قرار داد. در زمینه‌های اجتماعی معرفت، منزلت، طبقه، نسل، نقش شغلی، شیوه تولید، ساختارهای گروهی، وضعیت تاریخی، منافع، وابستگی قومی، تحرک اجتماعی، ساختار قدرت و فرایندهای اجتماعی (رقابت، تضاد و غیره) و در شالوده‌های فرهنگی معرفت، ارزش‌ها، خلق و خوها، اوضاع مربوط به عقیده، روحیه ملی، روح زمان، نوع فرهنگ، ذهنیت فرهنگی، جهان‌بینی و غیره بررسی می‌شوند (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۵۷). نکته مهم در این تفکیک، قراردادن برخی از ویژگی‌های فردی در زمینه‌های فرهنگی است.

۲-۵. عامل مسلط

برخی از جامعه‌شناسان در میان عوامل اجتماعی، یک عامل را به عنوان عامل مسلط دائمی یا موقتی تعیین کرده‌اند؛ اما از منظر روش‌شناسی بنیادین، در هیچ‌یک از انواع فرهنگ‌ها نمی‌توان از عامل مسلط سخن گفت؛ چرا که فشارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، اختیار انسان را سلب نمی‌کنند و سرانجام این فرد است که تصمیم به همراهی با جامعه یا ایستادگی در مقابل آن را می‌گیرد.

۳. دوره اول: عصر صدور (از بعثت تا ۲۶۰ق)

این دوره از بعثت نبی اکرم تا ابتدای غیبت صغری (۲۶۰ق)، یعنی دوره حضور معصومان علیهم السلام و شامل صدور، دریافت، کتابت، تبویب و تدوین روایات است. این دوره، اندیشمندان بسیاری از جمله اصحاب نبی اکرم و اصحاب ائمه معصوم در جغرافیای گسترده‌ای از مکه و مدینه تا کوفه، قم، ری، خراسان بزرگ و بغداد را دربرمی‌گیرد. از جهت سیاسی نیز با حکومت نبی اکرم، خلفا، امیرالمؤمنین، بنی‌امیه و بخشی از بنی‌عباس مصادف است.

۳-۱. عوامل معرفتی

حدیث، منسوب به معصوم و از سنخ وحی است و به همین دلیل در زمره معرفت‌های تاریخی قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین متن حدیث ماهیت آسمانی و فرازمانی دارد و حتی برای عوامل معرفتی وجودی نیز نمی‌توان نقش علی و محتوایی در حدیث قائل شد، چه رسد به عوامل اجتماعی؛ البته ورود اسرئیلیات و پدیده جعل حدیث را نیز نمی‌توان انکار کرد که در ظاهر تأثیر محتوایی و علی عوامل اجتماعی در حدیث را نشان می‌دهد؛ اما درحقیقت حدیث جعلی در زمره احادیث نیست و با روش‌هایی که از قبل طراحی شده، شناسایی و طرد می‌شود.

اما پذیرش و ترویج حدیث و ظهور و شکوفایی علوم پیرامون آن، نیازمند نیروی انسانی کارآمد و شرایط اجتماعی مناسب بود؛ درحالی‌که باورهای فرهنگی و عوامل معرفتی موجود در لایه‌های عمیق فرهنگ، به هنگام بعثت، مناسب نشر حدیث نبود؛ از این رو پیامبر اعظم دست به تغییر زیرساخت‌های فرهنگی اجتماعی زد و طی ۲۳ سال، موفق به تأسیس حکومت و ایجاد بستر اجتماعی مناسب از طریق برنامه‌های سوادآموزی (سجانی، ۱۳۷۱، صص ۲۱۳ و ۲۴۷) و همچنین تدوین سیاست‌های معرفتی مثل ترغیب افراد به حفظ، کتابت و ترویج حدیث شد.

نبی اکرم به فراگیری، حفظ (شیخ صدوق، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۴۱)، نشر (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱،

ص ۵۰، روایت گری (شیخ صدوق، ۱۳۶۱، ص ۳۴۷) و نگارش حدیث (المتقی، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۲۴۹) توصیه می‌کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام هم افراد را به نوشتن و تدوین حدیث ترغیب می‌کرد (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۷). این توصیه‌ها و ترغیب‌ها بخشی راهبردی از متن خود حدیث و به همین دلیل در زمره عوامل معرفتی است که افراد بسیاری را مشتاق و آرزومند فعالیت‌های حدیثی کرده و تولید آثار فراوان حدیثی در دوره‌های مختلف را به دنبال داشته است. نتیجه این سیره تربیتی، همان‌گونه که آثاری مثل رجال نجاشی نشان می‌دهند، تدوین آثار حدیثی بسیار فراوانی به قلم اصحاب ائمه به‌ویژه از زمان امام صادق علیه السلام به بعد است.

این‌گونه روایات راهبردی اگر در لایه‌های بنیادین فرهنگ یا خرده‌فرهنگ شیعه قرار بگیرند، رشد حدیث را به دنبال خواهند داشت؛ برای نمونه می‌توان به این روایت که به طرق کثیر از نبی اکرم، در منابع شیعه و اهل سنت، نقل شده است، اشاره کرد: «هر که برای بهره‌مندی امت من در کار دینشان، چهل حدیث را حفظ کند، خدای متعال او را در قیامت به‌عنوان فقیه و دانشمند برمی‌انگیزد» (مجلسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۵۳).

«حفظ چهل حدیث» دو معنای سپردن حدیث به حافظه و حفظ حدیث از نابودی با هر روش ممکن را شامل می‌شود؛ اما مصداق بارز آن نگارش حدیث است و تألیف کتاب‌هایی تحت عنوان «چهل حدیث» شاهد آن است (مجلسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۵۷). تاریخ حدیث حاکی از این است که برداشت اول بیشتر در فرهنگ اهل تسنن و برداشت دوم بیشتر در فرهنگ تشیع، تحقق اجتماعی یافته و پیامدهای متفاوتی به دنبال داشته است.

هرچند عوامل معرفتی و بنیان‌های فرهنگی، بارها در این دوره، تحت تأثیر اولویت‌های سیاسی خلفا، بنی‌امیه و بنی‌عباس دستخوش تغییر شده است، اما واکنش‌های سیاسی و فرهنگی معصومان و فعالیت‌های علمی اصحاب ایشان، بر شرایط نامناسب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سرتاسر این دوره غلبه کرد و تولید، تثبیت و رشد حدیث را به ارمغان آورد.

۲-۳. عوامل فردی

محدثان بزرگی که شخصیت ایشان در فضای فرهنگ و حیانی شکل گرفته بود، به شدت به اهل بیت علاقه مند بودند و فعالیت های حدیثی را رسالت و تکلیف خود می شمردند. بسیاری از نخبگان حدیثی تبعیدها (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۸) و شکنجه ها را در راستای حفظ و ترویج احادیث به جان خریدند و حتی در مواردی به شهادت (جمشیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶) رسیدند.

تمایز نقش های علمی و اشتغال تمام وقت عده ای از نخبگان اصحاب به فعالیت های حدیثی، ارتباطات علمی میان اصحاب و وجود دانشمندان پرسشگری مثل زراره (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۹۴) و هشام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۹۴) و به ویژه افرادی که از فرهنگ ها و ادیان دیگر به جمع اصحاب پیوسته یا با دیگر فرقه ها و مذاهب تعامل و گفت و گو داشتند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳) نیز زمینه های فردی مناسبی برای رشد حدیث و مقاومت در برابر شرایط نامناسب اجتماعی فراهم می کرد.

آموزش حدیث در مجالس عمومی و خصوصی در مسجد رسول الله، مسجد کوفه، منازل ائمه، در موسم حج و هر جا که فرصتی پدید می آمد، برقرار می شد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰) و برگزاری جلسات مناظره که در زمان امام رضا به اوج رسید (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۳) از دیگر فعالیت های اساسی در عرصه حفظ، رشد و ترویج حدیث بود.

حدیث نگاری به قلم کاتبان نبی اکرم (احمدی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۰) و ائمه معصوم علیهم السلام (سبحانی، ۱۳۸۹، صص ۲۸-۸۰)، نامه نگاری حدیثی (نهج البلاغه، نامه ۴۷) و املائی حدیث (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۰۶) از سوی معصومان که پیروی از این شیوه در میان محدثان، منجر به شکل گیری آثاری حدیثی تحت عنوان «امالی» در اواخر قرن سوم شد (مدیرشانه چی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸)، از جمله فعالیت هایی است که کارکرد آن نیز حفظ و ترویج حدیث بود.

با وجود فعالیت های راهبردی متعدد، هنوز برای بالابردن سطح دقت در دریافت، حفظ و انتقال حدیث به دوره های بعد، راهبردهای دیگری لازم بود تا امکان بررسی صحت احادیث را فراهم نماید. عرضه حدیث به قرآن، ائمه و علمای حدیث (طباطبایی، ۱۳۸۸، صص ۲۳۲-۲۳۶) در عصر غیبت این کارکرد را به دنبال داشت.

۳-۳. عوامل سیاسی

کارکردهای ترویج حدیث برای اصحاب قدرت، مطلوب نبود؛ از این رو سیاست‌های منع از نقل و نگارش (السیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۸) و همچنین جعل حدیث (علامه عسکری، بی‌تا، ص ۲۹) را دنبال کردند. این راهبردها، در جامعه اهل سنت و تشیع دو پیامد مختلف به دنبال داشت. محدثان اهل سنت روایات زیادی را در جهان ذهن خود دفن کردند و بسیاری از آنچه در میان ایشان باقی مانده نیز نقل به مضمون است؛ اما در شیعیان هرچند این موانع و مخالفت‌ها بی‌تأثیر نبود و در بخش‌هایی از این دوره به انزوای امام و عدم دسترسی اصحاب به ایشان، منجر شد، حضور امام معصوم در جامعه هم استمرار صدور روایت را به ارمغان آورد و هم راهی برای شناسایی روایات جعلی گشود؛ بنابراین در این دوره ظرفیت‌های معرفتی خود حدیث از یک سو و عوامل فردی و انگیزه‌های قوی اصحاب، روحیه پرسشگری و تکلیف‌گرایی از سوی دیگر، بر عوامل سیاسی غلبه کرد و حتی برای مدتی شرایط اجتماعی سیاسی را به نفع خود تغییر داد.

۳-۴. عوامل فرهنگی اجتماعی

به‌طور کلی در دوره‌هایی مثل عصر حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس که فضای فرهنگی تحت تأثیر رویکردهای سیاسی، به دنیاگرایی و ولنگاری فرهنگی سوق می‌یافت، اراده بر حقیقت و معرفت حدیثی تقدم می‌یافت و حدیث به ابزاری برای حفظ حکومت و سرکوب مخالفان تبدیل می‌شد؛ اما در همین دوره‌ها نیز خرده‌فرهنگ شیعی تلاش می‌کرد حدیث را از آسیب‌های این چنین دور نگه دارد. ارزش‌های حاکم بر خرده‌فرهنگ شیعی که ریشه در معارف حدیثی و وحیانی داشت، از این تلاش حمایت می‌کرد. تقدس علم و علم‌آموزی و منحصرنکردن آموزش و تحصیل به یک طبقه خاص و درنهایت تأسیس یک نظام آموزشی فراگیر در زمان امام صادق علیه السلام از جمله ارزش‌های خرده‌فرهنگ شیعی در این دوره است که رشد و تکامل حدیث را به دنبال داشت.

به‌طور کلی در این دوره، عوامل سیاسی بیش از عوامل اجتماعی و اقتصادی در علوم

حدیث اثرگذار بوده است؛ اما نمی توان آن را عامل مسلط شمرد؛ چراکه درنهایت این اراده انسانی و عامل فردی بود که این تحولات را رقم زد.

۴. دوره دوم: عصر تکامل (۲۶۰ - ۴۶۰ق)

در این دوره شاهد تدوین جوامع حدیثی مهمی تحت عنوان کتب اربعه هستیم. این دوره کمی قبل از تدوین اولین کتاب از این جوامع حدیثی، یعنی از ابتدای غیبت صغری تا کمی بعد از تدوین آخرین کتاب از این جوامع حدیثی، یعنی وفات مؤلف آن را دربرمی گیرد که می توان آن را دوره تکامل نامید. بزرگ ترین محدثان این دوره کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی در جغرافیای قم و بغداد هستند. از جهت سیاسی نیز این دوره با افول بنی عباس، ظهور آل بویه (۳۳۴-۴۴۸ق) و بخش کوتاهی از ابتدای حکومت ترکان سلجوقی (۴۴۷-۵۹۰ق) مصادف است.

۴-۱. عوامل معرفتی

قدرت های سیاسی حاکم بر جغرافیای وسیع سرزمین های اسلامی، هر دو مذهب شیعه و سنی را در قلمروی حکومت خود جای داده بودند. حتی در دوره آل بویه نیز شیعه و سنی در یک جامعه واحد در کنار یکدیگر حضور دارند؛ بنابراین جامعه شیعه و جامعه سنی تمایز جغرافیایی و سیاسی ندارند و عوامل معرفتی و بنیان های فرهنگی در این دوره از تکثر و تنوع برخوردار است. هرچند در مناطقی مثل قم، یکدستی بیشتری وجود دارد، در همین مناطق نیز مسافرت های فراوان نخبگان حدیثی (معارف، ۱۳۷۷، ص ۴۹۵)، آنها را در میان فرهنگ ها مختلف شناور می سازد.

از این رو در این دوره باید از خرده فرهنگ شیعه و سنی و عوامل معرفتی موجود در بنیان های فرهنگی هریک از آن دو سخن گفت. این دو خرده فرهنگ در شرایط سیاسی مختلف تعامل متفاوتی با یکدیگر داشتند. در خراسان همزیستی مسالمت آمیز و در بغداد در دوره ای سازش و در دوره ای دیگر ستیز و تضاد قابل مشاهده است؛ اما آن عوامل معرفتی که موجب تکامل حدیث در این دوره شد، معارف

وحیانی حاضر در خرده‌فرهنگ نخبگانی است که عوامل فردی را برجسته می‌سازند.

۲-۴. عوامل فردی

فضای وحیانی در این دوره، نخبگان حدیثی متناسب با خود مثل شیخ صدوق، کلینی و شیخ مفید را پرورش داد و ویژگی تکلیف‌گرایی با غلبه بر شرایط نامناسب اجتماعی، ایشان را وادار به تدوین جوامع حدیثی در پاسخ به مسائل و شبهات سیل‌آسای این دوره کرد.

تمایز نقش‌های علمی نیز در این دوره وضوح بیشتری دارد. یارگیری‌های شیخ مفید از میان کودکان با استعدادی که در کارگاه‌های بافندگی مشغول کار بوند و حمایت مالی از والدین ایشان (الذهبی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۷، ص ۳۴۴)، تأمین مالی نخبگانی مثل شیخ طوسی (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۱، حرف ج) به منظور پرهیز از کارهای غیرعلمی و تمکن مالی اندیشمندانی مثل سید مرتضی، زمینه مناسبی برای فعالیت‌های علمی به صورت حرفه‌ای ایجاد کرد.

ارتباط میان دانشمندان به‌عنوان یکی از عوامل اصلی رشد و انتقال علوم، در این میان کاملاً شایع است. مسافرت‌های دور و دراز و اقامت‌های طولانی یا اسکان دائمی دانشمندان با رویکردهای مذهبی و فرقه‌ای متفاوت، برگزاری گفت‌وگوهای علمی، جلسات درس و مناظره به‌ویژه در بغداد و ری، رشد و تکامل علوم حدیث را در پی داشت.

۳-۴. عوامل سیاسی

به‌طور کلی عامل سیاسی در این دوره، تأثیر مستقیمی در علوم حدیث ندارد؛ اما حمایت‌های آل‌بویه از دانشمندان شیعه مثل حمایت‌های مالی عضدالدوله از شیخ مفید (عسقلانی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۶۸) و دیگر دانشمندان بغداد، مکه و مدینه (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۳۹ و ۴۰) و اقدام صاحب بن عباد، به تأسیس حوزه علمی خود در ری و اصفهان، تأسیس یک کتابخانه بزرگ و فراخواندن علمایی از بغداد به ری و اصفهان (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۹)، به صورت غیرمستقیم بر علوم حدیث اثر داشت؛

هرچند با ظهور ترکان سلجوقی فشارها و سخت‌گیری‌ها علیه تشیع شدت گرفت. حمایت‌های سیاسی سلجوقیان از اهل تسنن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، به‌ویژه هنگامی که به فرهنگ عمومی کشیده می‌شد، ستیزهای اجتماعی و برخوردهای خشن با اندیشمندان شیعه و آشوب فرهنگی را به دنبال داشت. مهاجرت اجباری شیخ طوسی از بغداد به نجف (طوسی، ۱۴۰۳ق، مقدمه، ص ۸)، نمونه‌ای از پیامدهای آن است.

۴-۴. عوامل فرهنگی

فاصله گرفتن از عصر حضور، موجب شکل‌گیری متون رجالی شد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۷، ص ۵۶). همچنین در ابتدای این دوره فرقه اسماعیلیه و زیدیه، طرفداران جعفر کذاب و پیروان زیادی از اهل سنت، شبهاتی علیه شیعه امامیه مطرح و ذهن مردم را مشوش می‌کردند (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۲). حضور فرقه‌های مذهبی و فکری مختلف، در مناطق جغرافیایی واحد که در بسیاری از موارد به دلیل اختلافات سیاسی و اعتقادی، مسالمت‌آمیز نبود، فضای مناسبی برای فعالیت‌های علمی و رشد و توسعه علم را به دنبال نداشت. در این فضای فرهنگی سرشار از ستیز و تضاد، عوامل فردی و ویژگی تکلیف‌گرایی، اندیشمندانی مثل شیخ مفید و شیخ طوسی را به فعالیت‌های علمی و تدوین آثاری در پاسخ به این وضعیت وامی‌داشت؛ بنابراین می‌توان گفت در این دوره عامل فرهنگی بیش از عامل سیاسی در روند علم تأثیر داشت؛ هرچند بستر فرهنگی تحت تأثیر قدرت‌های سیاسی نیز بود.

۵. دوره سوم: دوران رکود (از ۴۶۰ تا ۱۰۳۴ق)

دوره سوم از درگذشت شیخ طوسی در نیمه سده پنجم به‌عنوان آخرین نویسنده جوامع حدیثی ثانویه، تا سال ۱۰۳۴ق، یعنی ظهور جوامع حدیثی متأخر، دوره رکود حدیث نامیده شده است. مشهورترین محدثان این دوره سید بن طاووس، علامه حلی، فخرالمحققین، شهید اول و شهید ثانی، در گستره جغرافیایی حله و جبل عامل فعالیت علمی داشتند. این دوره با حکومت‌های سلجوقیان، مغول، حکومت‌های محلی مثل

سریداران و مرعشیان و بخشی از حکومت صفویه مصادف است. در این دوره با تولید آثاری در عرصه‌های حدیث، رجال و درایه مواجه هستیم؛ اما میزان این آثار نسبت به دوره‌های قبل و بعد، چشمگیر نیست؛ بنابراین رکودنامیدن این دوره، به این معنا نیست که هیچ فعالیت حدیثی صورت نگرفته است.

۵-۱. عوامل معرفتی

باور به ماندگاری و کفایت کتب اربعه (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳)، غلبه فقه (مؤدب، ۱۳۸۴، ص ۳۵) و کلام (خدایاری، ۱۳۸۵، ص ۸۱) دو عامل معرفتی مهم در این دوره هستند که اشتغال عالمان به فقه و تا حدی کلام را به دنبال داشتند و رکود حدیث را دامن زدند. غلبه رویکرد کلامی و نیاز به حل اختلافات فقهی، مباحث روش‌شناختی حدیث را در این دوره برجسته می‌سازد. که تحولاتی در علم اصول فقه و تغییر ملاک‌های بررسی صحت و سقم حدیث و تدوین متون فاخری در زمینه رجال و درایه (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، صص ۸۱-۸۲) به‌عنوان علوم آلی را به دنبال داشت؛ بنابراین دوره سوم حدیثی یا حداقل بخشی از آن را می‌توان دوره رجال و درایه یا دوره تحول روش‌شناسی حدیث نامید.

۵-۲. عوامل فردی

شهر حله در این دوره، دراصل یک مرکز فقهی است؛ اما حدیث و کلام نیز در این حوزه، رونق داشتند (خدایاری، ۱۳۸۵، ص ۲۶) و بسیاری از دانشمندان این مرکز، آثار حدیثی نیز دارند. علامه حلی و فخرالمحققین، دو فقیه و متکلم بزرگ شیعی از آن جمله‌اند که جایگاه و شأن فوق‌العاده‌ای حتی در میان اهل تسنن دارند (عسقلانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۱۷)؛ اما آثار فقهی، کلامی و اصولی ایشان بر آثار حدیثی غلبه دارد؛ بنابراین انگیزه‌های شخصی دانشمندان شیعه و روحیه تکلیف‌گرایی که در دوره‌های دیگر در شرایط نامناسب سیاسی و اجتماعی نیز آثار فاخری را به ارمغان آورده بود، در این دوره نیز وجود دارد؛ اما به علوم دیگری مثل فقه و کلام معطوف شده است و به همین دلیل است که

بزرگ‌ترین محدثان این دوره بیشتر به فقیه و متکلم شهره‌اند.

تمایز نقش‌های علمی در این دوره نیز حداقل در میان برخی از اندیشمندان بزرگ مثل علامه حلی (صدر، ۱۳۷۰، ص ۲۷۰)، شهید اول و شهید ثانی (موسوی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۵۴) وجود دارد و ارتباط میان دانشمندان با رویکردهای فرقه‌ای و مذهبی متفاوت نیز در برخی مناطق مثل حله قابل مشاهده است که البته تأثیر چندانی بر علوم حدیث ندارد.

۳-۵. عوامل سیاسی

ابتدای این دوره با حاکمیت سلجوقیان در عراق، غزنویان در شرق و ایوبیان در شام و مصر همراه است که همگی بر شیعه سخت‌گیری می‌کردند. مغول نیز با خوی وحشی‌گری، زمینه تعلیم و تعلم را از بین برد؛ اما اولجایتو در سال ۷۰۹ هجری، تشیع را به‌عنوان مذهب رسمی اعلام کرد (میرخواند، ۱۳۸۰، ص ۹۴۶). پرهیز از ظلم و رفاه نسبی در دوره حکومت او، موجب رونق مذهب تشیع و علم و ادب شد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰، ص ۴۵۷)؛ اما با ظهور تیمور لنگ، در اواخر قرن هشتم و ظهور مجدد استبداد و سرکوب و قتل و عام، زمینه فعالیت‌های علمی به‌طور کلی از میان رفت.

در اواخر این دوره نیز حمایت‌های سیاسی دولت شیعی صفویه و ارتقای جایگاه تشیع و علمای شیعی، بیشتر موجب رونق فقه شد و حدیث تحول قابل توجهی نداشت؛ اما با حضور کمال‌الدین درویش (م بعد از ۹۳۹ ق) به‌عنوان اولین کسی است که حدیث شیعه را در اصفهان منتشر ساخت (امین، ۱۴۰۳ق، ص ۳۹۵) و شیخ عزالدین حسین (م ۹۸۴)، پدر شیخ بهایی که ضمن گلایه از اوضاع نابسامان حدیث (العاملی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۸)، قرائت کتب احادیث را در سرزمین‌های غیرعرب تجدید کرد (العاملی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۱)، زمینه‌های رشد حدیث در دوره بعد فراهم آمد.

حضور عثمانیه در غرب جهان اسلام و سخت‌گیری بر علمای شیعه نیز که مهاجرت ایشان به ایران را به دنبال داشت، بیشتر بر فقه مؤثر بود (العاملی، ۱۴۰۱ق، ص ۳۷۸) و تأثیر چندانی در حدیث نداشت.

۴-۵. عوامل فرهنگی

ظهور حکومت‌های ضد شیعی، هجوم‌های مکرر نظامی، قتل و غارت و گسترش ستیز و تنش در روابط اجتماعی به‌ویژه میان شیعه و سنی، فضای مناسبی برای تعلیم و تعلم و تأسیس یک نظام آموزشی منسجم نبود و ارزش‌های اجتماعی و باورهای فرهنگی را به امور روزمره و دغدغه تأمین امنیت و ضروریات زندگی معطوف می‌کرد. تنها در شهر حله که از حمله مغول در امان مانده بود و در اواخر این دوره با ظهور حکومت صفویه آرامش نسبی بر فرهنگ عمومی حاکم و فضای رشد علم تا حدی فراهم شد؛ اما اشتغال به علوم کلام و فقه، همچنان حدیث را در حاشیه قرار می‌داد.

۶. دوره چهارم: عصر شکوفایی اول (۱۰۳۴-۱۱۳۴ق)

این دوره در اوایل قرن یازدهم با ظهور مجلسی اول آغاز و در اوایل قرن دوازدهم با افول صفویه و وفات مجلسی دوم پایان می‌یابد. مهم‌ترین جوامع حدیثی متأخر همچون الوافی، بحار الانوار و وسائل الشیعه در این دوره تألیف شده‌اند و مهم‌ترین محدثان این دوره علامه مجلسی اول، فیض کاشانی، شیخ حر عاملی و مجلسی دوم‌اند. این دوره مصادف با حکومت صفویه است.

۱-۶. عوامل معرفتی

ظهور اخباری‌گری و دستیابی به متون حدیثی مهجور، مهم‌ترین عوامل رشد و شکوفایی علوم حدیث در این دوره است؛ چراکه با تأثیر در باورهای جامعه علمی، به سيطرة کتب اربعه پایان داد. محمدمین استرآبادی با نگارش کتاب الفوائد المدینه و فرستادن آن به مراکز علمی که با استقبال بیشتر علمای نجف، عتبات عالیات (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۶)، عده‌ای از اندیشمندان اصفهان و بیش از همه بحرین مواجه شد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹)، اخباری‌گری را بنیان نهاد که در شکوفایی علوم حدیث و تدوین جوامع حدیثی نقش مهمی داشت.

یکی دیگر از عوامل شکوفایی حدیث در این دوره کشف و دستیابی به کتاب‌های روایی زیادی بود که روایاتشان در کتب اربعه نیامده بود (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴). این حادثه، باور به کفایت کتب اربعه را از میان برد و ضرورت تدوین جوامع حدیثی بزرگ که شامل این آثار نیز باشند، احساس شد.

۲-۶. عوامل فردی

زمینه‌های رشد علم حدیث در این دوره با حضور شیخ عزالدین و ملاعبدالله شوشتری (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۱۴، ص ۳۸۲) فراهم شد؛ اما محور تحول، مجلسی اول بود (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۰) که رویکرد حدیثی را ترویج داد. مهاجرت شیخ حر عاملی و استقرار ایشان در جغرافیای اهل تسنن و تألیف وسائل الشیعه (العاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۵) و حضور فیض کاشانی و فعالیت‌های گسترده حدیثی ایشان به دلیل ناکافی دانستن کتب اربعه (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۴) نیز اهمیت فراوانی دارد؛ اما از همه مهم‌تر سیاست‌های علمی علامه مجلسی و تشکیل یک نظام آموزشی منسجم است که با استفاده از موقعیت سیاسی و دستیابی به حمایت‌های مالی ایشان فراهم آمد. او جمع‌آوری متعدد از سراسر جغرافیای جهان اسلام (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴)، پرورش شاگردان بسیار، تکثیر منابع حدیثی با به کار گرفتن طلاب علوم دینی در نبود صنعت چاپ و اقدام به فعالیت گروهی و تشکیلاتی در تدوین بزرگ‌ترین جامع حدیثی فریقین را در کارنامه درخشان خود دارد.

انتقال نسخه‌های خطی از سرزمین‌های عربی و هند به ایران (الافندی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۲۶۶) استنساخ کتاب‌ها به‌ویژه کتاب‌های حدیثی و گسترش کمی و کیفی کتابخانه‌ها (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۷۳۹ و ۸۰۷)، انتقال کتاب‌های شخصی علمایی که از جبل عامل، بحرین و عراق به ایران مهاجرت کردند، نسخه‌برداری از کتاب‌های مکتبه العلویه نجف (خلیلی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۳۸)، وقف گسترده کتب (فرهانی‌منفرد، ۱۳۷۷، ص ۱۶۸)، حضور در یک مرکز علمی واحد و گسترش تعاملات علمی اندیشمندان، گسترش منابع انسانی و

استقبال فراوان افراد از علم‌آموزی به‌ویژه علوم حدیث، در زمینه مناسب سیاسی، از جمله عوامل مؤثر بر شکوفایی حدیث در این دوره بودند.

حمایت‌های مالی از علم و عالم و البته انگیزه‌های شخصی و روحیه قناعت و ساده‌زیستی، تمایز نقش علمی و فعالیت‌های علمی تمام‌وقت را در میان بسیاری از محدثان به‌عنوان یک عامل مهم در رشد علم به دنبال داشت.

۳-۶. عوامل سیاسی

با دعوت پادشاهان صفوی از علمای مناطق مختلف، بزرگانی همچون شیخ بهایی و شیخ عزالدین از لبنان، محقق کرکی از شام، محقق میسی از عراق و بحرانی از بحرین به ایران آمدند (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۴) و ابتدا بازار فقه و کمی بعد بازار حدیث رونق گرفت. کارکردهای مثبت معرفت شیعی و کمی بعد معرفت حدیثی برای حکومت صفوی در برابر عثمانی‌ها در خارج و جریان‌های صوفی در داخل، زمینه‌ساز گرایش سیاست به علم و حمایت‌های سیاسی و اقتصادی را به دنبال داشت؛ البته باید توجه داشت این گرایش‌ها و حمایت‌ها موجب نگاه ابزاری به علم نشد و فقط به‌عنوان یک عامل زمینه‌ساز تأثیر خود را ایفا کرد. شاهان صفوی برای علمای شیعه منزلت والایی قائل بودند و در برابر جریان تصوف نیز به حمایت از ایشان پرداختند (طاهری، ۱۳۸۰، ص ۳۳۶). با تلاش محدثان، شاهان صفوی نیز به حدیث علاقه‌مند شدند و به مطالعه حدیث پرداختند (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۸). مجلسی اول از شاه عباس دوم و فرمان او به ترجمه کتابش این چنین یاد می‌کند: «بنابراین خورشید فرمان قضا جریان، و حکم نافذ واجب‌الاذعان، از افق شهریاری و جهاننداری ساطع و لامع گردید که این فقیر کتاب مسطور را به فارسی ترجمه نمایم» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۱). تقدیم کتاب‌های حدیثی به حاکمان، واکنشی به توجه پادشاهان به فعالیت‌های حدیثی (خدایاری و پوراکبر، ۱۳۸۵، ص ۲۷۲) و حاکی از وجود زمینه‌های سیاسی مناسب برای رشد و شکوفایی حدیث در این دوره است.

۴-۶. عوامل فرهنگی

مهاجرت علما از دیگر مناطق به ایران و ایجاد مدارس و حلقه‌های درس جهت تعلیم متون دینی و حدیثی در شهرها و مراکز مختلف، از جمله ویژگی‌های این دوره است. علمای مهاجر بیشتر در شهرهای شیراز، تبریز، قزوین و اصفهان که اهمیت سیاسی و رونق علمی داشت یا در مشهد و قم با توجه به اهمیت مذهبی آنها، سکونت گزیدند و به ترویج دانش‌های شیعی پرداختند (فرهانی‌منفرد، ۱۳۷۷، ص ۱۶۷). علامه مجلسی می‌نویسد: «روزگاری قم و ری مرکز نشر حدیث شیعه بودند و در این دوران، اصفهان، مشهد و در مرحله بعد شهرهای قزوین، شیراز، کاشان و قم، صاحب حوزه‌های بالنده‌ای شدند» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵).

به منظور ساماندهی نقل حدیث، دریافت اجازه از استاد در نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم محور نقل حدیث شد (خدایاری و پوراکبر، ۱۳۸۵، صص ۳۳۵ - ۳۳۸). حدیث در صدر اسلام نیازمند توسعه و ترویج بود؛ به همین دلیل اذن عمومی برای نقل حدیث وجود داشت. شاهد آن روایاتی مثل این روایت نبوی است: «خداوند مردی را که گفته مرا بشنود و در سینه نگه دارد و به کسی که نشنیده برساند، روشنی و خرمی عطا فرماید» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۳۴۰)؛ اما در نیمه دوم قرن سوم و نیز در قرن چهارم، نقل حدیث و قرار گرفتن در سلسله راویان، مستلزم دریافت اجازه از راویان حدیث شد. بعدها در عصر شهید ثانی که مجامع حدیثی تدوین و منتشر شدند و انتساب کتاب‌های حدیثی به محدثان متواتر گشت، اجازه بیشتر جنبه تشریفاتی یافت و بدین اکتفا شد که طالب حدیث به استناد از کتاب تصحیح شده او نقل حدیث کند و از آنجا که برخی از محدثان تمایل داشتند خویشان و فرزندان خود در شمار راویان حدیث قرار گیرند و بدین شرافت دست پیدا کنند، وصیت نیز بر اقسام اجازه افزوده شد.

۷. دوره پنجم: رشد عرضی (۱۱۳۴ - ۱۳۱۹ق)

این دوره کمی بعد از وفات علامه مجلسی و با سقوط صفویه آغاز شد و با عرضه کتاب

مستدرک الوسائل در سال ۱۳۱۹ به پایان رسید. از آنجایی که پس از تدوین جوامع حدیثی متأخر تا دوره مرحوم محدث نوری، تألیف مهمی به چشم نمی‌خورد که با هدف جبران نواقص احتمالی جوامع حدیثی یا ضرورتی در تدوین جوامع حدیثی جدید باشد، می‌توان این دوره را دوره توسعه سطحی یا رشد عرضی علوم حدیث نامید؛ زیرا علوم حدیث مانند هر علم دیگری، دو گونه رشد داشته است: رشد عمقی که موجب تحول بنیادین و تدوین آثار ابداعی مثل کتب اربعه یا جوامع حدیثی متأخر می‌شود و رشد عرضی یا توسعه سطحی که موجب شرح و بسط متون قبلی و تدوین متون موضوعی و تخصصی در پاسخ به مسائل و شبهات جزئی‌تر صورت می‌گیرد. در این دوره شاهد رشد به معنای دوم در علم حدیث هستیم.

از جمله مهم‌ترین اندیشمندان حدیثی این دوره می‌توان به تبریزی نویسنده کتاب الشفا فی اخبار آل المصطفی، شبر نویسنده جامع الاحکام، بحرانی نویسنده عوالم العلوم و میرحامد حسین نویسنده عبقات الانوار فی مناقب الائمة الاطهار اشاره کرد. مهم‌ترین مرکز علمی این دوره نجف بود. این دوره مصادف با حکومت‌های افغانه، افشاریه، زندیه و قاجاریه بوده است.

۱-۷. عوامل معرفتی

عقل‌گرایی و غلبه رویکردهای اصولی و اجتهادی (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۳۳۰) بر جریان اخباری‌گری، بنیان‌های معرفتی این دوره را شکل می‌دهد؛ هرچند اخباری‌گری همچنان در لایه‌های پنهان‌تر فرهنگ حضور و حتی ظهور سیاسی دارد (رضوی، ۱۳۹۶، ص ۵۴۸). از سوی دیگر ظهور فرقه‌های مذهبی مثل شیخیه، بابیه و بهائیت که بیشتر رویکرد سیاسی دارند نیز علوم دینی و به‌ویژه علوم حدیث را به سوی ابزاری شدن و برداشت‌های مغرضانه سوق می‌داد که واکنش اندیشمندان دیگر را در پی داشت (صفره، ۱۳۸۵، ص ۵۹)؛ اما از آنجایی که اهداف اصلی این جریان‌ها سیاسی بود، به رشد و شکوفایی علوم حدیث منجر نشد.

۲-۷. عوامل فردی

باور به کفایت جوامع حدیثی متأخر بر این دوره حاکم است و انگیزه محدثان را به سوی جمع و تبویب متفاوت و شرح و بسط آثار گذشتگان سوق می‌دهد و ایشان را از ابتکار و نوآوری باز می‌دارد. تبریزی در کتاب شفا و شبر در کتاب جامع المعارف (صفحه، ۱۳۸۵، ص ۸۲) روایات آثار حدیثی معروف را جمع کرده‌اند. بحرانی نیز عوالم را با تبویب جدیدی از احادیث بحار (صفحه، ۱۳۸۵، ص ۷۷) نگاشت که نوآوری شناخته نمی‌شود. ارتباط میان دانشمندان و نظام آموزشی در این دوره تحت تأثیر شرایط نامناسب سیاسی، افول را نشان می‌دهد و معرفت‌های دینی به‌جز در دوره‌هایی کوتاه در میان پادشاهان قاجار، برای صاحبان قدرت کارکرد ندارند و به همین دلیل مورد توجه و حمایت ایشان قرار نمی‌گیرند.

۳-۷. عوامل سیاسی

سقوط صفویه و سلطه افغان‌ها بر ایران خرابی‌های فراوانی به بار آورد و با قتل و غارت، بساط علم برچیده شد. نادرشاه (۱۱۴۸ - ۱۱۶۰) نیز که خود سنی‌مذهب بود، مذهب تشیع را از رسمیت انداخت، بر عالمان شیعه سخت گرفت و بسیاری از آنان را به قتل رساند (جعفریان، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۸۴۱) و بدین ترتیب زمینه فعالیت‌های علمی را از بین برد. رویکرد احترام‌آمیز کریم‌خان زند در دوره کوتاه حکومت او پیامد مهمی نداشت.

هرچند با روی کار آمدن قاجاریه و به‌دست گرفتن قدرت، حکومت واحدی بر ایران سلطه یافت، این خاندان از دوران فتحعلی‌شاه به‌ویژه در دوران امیرکبیر به گسترش و ترویج فرهنگ شیعی پرداخت و زمینه رشد معارف حدیثی دوباره فراهم شد؛ اما حملات متعدد وهابیان به کربلا و نجف، از سال ۱۲۱۶ تا ۱۲۲۵، دو جنگ ایران و روس در سال‌های ۱۲۲۸ و ۱۲۴۲، جنگ ایران و عثمانی در ۱۲۳۷، خروج از اطاعت ایران و تجاوز حاکم هرات به خراسان در سال ۱۲۴۸، حمله نجیب‌پاشا حاکم عثمانی در ۱۲۵۷ به کربلا (امین، ۱۴۰۳ق) زمینه‌های رشد علم را از بین برد.

اما از آن مهم‌تر آشنایی سطحی با غرب و گرایش دولتمردان به آن، تأسیس دارالفنون، اعزام دانشجو به اروپا و ترویج و انتشار کتاب‌های خارجی (پارسا، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳) بود که به تدریج نظام آموزشی حوزوی و علوم مربوط به آن را به انزوا می‌کشید. عوامل سیاسی، جامعه را به سوی غرب سوق می‌داد و تحت تأثیر آن، زمینه تأسیس مراکز علمی با ساختارهای غربی در مقابل نظام آموزشی سنتی در حال شکل‌گیری بود؛ بنابراین از یک نظام آموزشی مناسب در این دوره نمی‌توان سخن گفت.

۴-۷. عوامل فرهنگی

زمینه‌های فرهنگی غالب این دوره ۱۸۵ ساله، تحت تأثیر شرایط نامناسب سیاسی، به هیچ‌وجه مناسب رشد و تولید علم نبوده است و به همین دلیل شاهد رکود نسبی حدیث در این دوره نسبت به دوره‌های قبل و پس از آن هستیم؛ اما با توجه به تولید قابل توجهی از جوامع حدیثی و شرح متون حدیثی و همچنین تک‌نگاری‌های در موضوعات مختلف، این دوره را رشد عرضی و نه رکود نسبی می‌نامیم.

از سوی دیگر پیدایش صنعت چاپ، موجب انتشار بسیاری از متون حدیثی و دسترسی عمومی به این متون شد و تأثیرگذاری متون حدیثی را گسترش داد. بسیاری از آثار حدیثی قدیمی و جدید، در دوران قاجاریه به چاپ رسیدند و در نسخه‌های فراوانی تکثیر شدند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۵). صنعت چاپ موجب ترک شیوه‌های قدیمی نسخه‌برداری از متون حدیثی شد و امکان بهره‌برداری علمی را افزایش داد.

۸. دوره ششم: عصر شکوفایی دوم (۱۳۱۹ - ۱۴۴۲ق)

این دوره با عرضه محصول تلاش‌های علمی محدث نوری در سال ۱۳۱۹ق آغاز می‌شود و تا دوره کنونی ادامه می‌یابد. مستدرک الوسائل نوشته محدث نوری و جامع احادیث الشیعه نوشته آیت‌الله بروجردی، مهم‌ترین جوامع حدیثی این دوره‌اند. دوره

ششم به لحاظ تاریخی شامل اواخر حکومت قاجار، حکومت پهلوی و انقلاب اسلامی و به لحاظ جغرافیایی شامل نجف، قم و مشهد است.

۸-۱. عوامل معرفتی

توجهی گذرا به واژه «مستدرک» و «استدراک» در عنوان کتاب‌های حدیثی محدث نوری و آیت‌الله بروجردی، کافی است تا باور به کافی نبودن جوامع و آثار حدیثی دوره چهارم را وجه تمایز محدثان این دوره بدانیم. در این دوره با حضور کلان روایت‌های معرفتی متنوعی در بنیان‌های فرهنگ مواجه هستیم که هر یک تکرر درونی ویژه خود را دارند. یکی رویکرد معرفتی مدرن که عقل و وحی را به کناری می‌نهد و تنها تجربه را داخل در قلمروی علم می‌داند. این رویکرد به حدیث و علوم مربوط به آن بی‌اعتنا است و آن را خارج از عرصه علم و حداکثر موضوع مطالعه علم می‌داند.

دوم رویکردهای پست‌مدرن است که با بی‌اعتمادی به تجربه، دست از علم و روش‌های علمی برداشته و دستیابی به یقین را حتی با روش‌های تجربی نیز ممکن نمی‌داند. با تنزل جایگاه علم در این دیدگاه، آموزه‌های دینی از جمله حدیث مورد توجه قرار می‌گیرند؛ اما نکته مهم اینجا است که در این نگاه نسبی‌گرایانه، حدیث به‌عنوان سخن معصوم مورد توجه نیست، بلکه سخن معصوم نیز یکی از هزاران سخنی است که در تبیین و تفسیر پدیده‌ها مطرح است و ترجیحی بر سخنان دیگر ندارد.

سوم رویکردهای ظاهرگرایانه و شبهه‌آخبری است که در مشهد و نجف، حضور دارد. در این رویکردها حدیث مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اما از کاربرد عقل و روش‌های عقلی در فهم آن پرهیز می‌شود.

چهارم رویکردهای عقل‌گرا است که با جمع بین فلسفه و عرفان و قرآن، در یک نظام منطقی و منسجم، به حدیث در همه عرصه‌های علمی و اجتماعی توجه می‌کند. این رویکرد بیشتر در مرکز علمی قم حاکم است. وجود مراکز حدیثی در حوزه علمیه قم و برگزاری رشته‌های علوم انسانی در مراکز وابسته به آن، زمینه مناسبی برای ظهور

تبیین‌های علمی و اجتماعی با رویکرد حدیثی ایجاد کرده است که می‌تواند نویدبخش تدوین علمی تحت عنوان حدیث اجتماعی باشد.

۲-۸. عوامل فردی

مهم‌ترین انگیزه محدث نوری، تکمیل آثار حدیثی گذشته و توجه به کارهای بر زمین مانده از سوی محدثان بزرگ و پرهیز از کارهای تکراری و موازی است. این ویژگی که خود ناشی از روحیه تکلیف‌گرایی است، تحول و تکامل علوم حدیث را به دنبال داشته است. آیت‌الله بروجردی نیز تدوین «جامع حدیثی شیعه» را در راستای رفع نواقص وسائل با همکاری گروهی از شاگردان خود به انجام رسانید. ری شهری اما به غربت حدیث در حوزه‌های علمیه باور داشت و برای رفع آن به تأسیس یک مؤسسه آموزشی و پژوهشی بزرگ و تدوین و انتشار آثار حدیثی بی‌شمار اقدام کرد.

اما به‌طور کلی کانون علایق اندیشمندان و دانشجویان و همچنین تکوین شخصیت علمی ایشان نیز به تعدد رویکردهای چهارگانه گفته‌شده متنوع می‌شود. از سویی تمایز نقش‌های علمی، از طریق جذب افراد به‌عنوان هیئت علمی، تجربه‌ای منحصر به فرد را در تاریخ علم رقم زده است.

از ویژگی‌های آیت‌الله بروجردی تعاملات علمی ایشان با «دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه» در قاهره و فرستادن نمایندگان به اروپا و آمریکا برای معرفی اسلام بود؛ در حالی که در دوره کنونی، میان اندیشمندان با وجود زمینه‌های ارتباطی و وجود فناوری مناسب ارتباط چندانی وجود ندارد. طلاب شیعه از نظریه‌های اهل تسنن و طلاب اهل تسنن از نظریه‌های شیعه بی‌خبرند. ارتباط تعریف‌شده و مشخصی نیز میان حوزه و دانشگاه و دانشجویان و طلاب وجود ندارد که ممکن است در رشد علم و علوم حدیث به طور خاص، مانع ایجاد کند.

۳-۸. عوامل سیاسی

در ایران احمدشاه قاجار و پس از آن دو پادشاه پهلوی، با دخالت‌های وسیع انگلیس

و آمریکا، علم و علما را در تنگنا قرار می‌دادند و گاهی با دخالت مستقیم در حوزه‌های علمی، علما را تحقیر، تبعید، حبس و حتی ضرب و شتم و قتل و غارت می‌کردند. جنگ جهانی اول (۱۳۳۲ق) امنیت را به یغما برد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران اما به‌ویژه پس از جنگ تحمیلی، شرایط متفاوتی را رقم زد. در عراق نیز با قدرت یافتن حزب بعث (۲۰۰۳ - ۱۹۶۸م) و صدام از ۱۹۷۹م، سخت‌گیری‌های فراوانی علیه تشیع و مراکز علمی شیعه رخ داد که زمینه‌ساز اخراج یا مهاجرت بسیاری از علما و انتقال مرکزیت علمی از عتبات به ایران شد.

انقلاب اسلامی در یک موقعیت تاریخی بی‌نظیر همسو با علوم و حیانی عمل می‌کند و کارکردهای معرفتی حدیثی را پشتوانه تئوریک خود می‌داند؛ هرچند اولویت‌های سیاسی دولت‌ها هر از چندگاهی تغییر می‌کند و از جهت حمایت‌های مالی گاهی حوزه را در مضیقه قرار می‌دهد.

۴-۸. عوامل فرهنگی

بستر فرهنگی - اجتماعی از یک سو به دلیل حضور دین در عرصه‌های مختلف و فعالیت‌های حدیثی در عرصه فرهنگ عمومی، مهیای حمایت از علوم حدیث و زمینه‌ساز رشد و تحول در آن است؛ اما از سوی دیگر خرده‌فرهنگ‌های غرب‌گرا و نفوذ فرهنگ و سبک زندگی غربی در جامعه ما، حدیث را خصوصاً با وجود شبهات فراوان علیه یقینی‌بودن احادیث، مورد بی‌اعتنایی و حتی طرد قرار می‌دهد.

نظام آموزشی حوزه نیز به رغم همه اشکالات، وضعیت خوبی برای رشد علم فراهم کرده است، خصوصاً اینکه شاهد استفاده از تکنولوژی‌های روز مثل رایانه و نرم‌افزارهای حدیثی از یک سو و تأسیس مراکز و رشته‌های تخصصی حدیثی و شکل‌گیری حوزه علمی خواهران از سوی دیگر هستیم؛ اما در گسست تاریخی با نظام آموزشی دانشگاهی، نفوذ و سیطره خود در بخش‌های مدیریتی و راهبردی را از دست داده یا حداقل با رقیب قدرتمندی مواجه شده است.

نتیجه‌گیری

حدیث در بسیاری از دوره‌های تاریخی در حاشیه علوم دیگر مثل اخلاق، کلام، تفسیر و بیش از همه فقه، قرار گرفته است و مهم‌ترین عامل رشد و افول آن باور به کفایت یا عدم کفایت منابع حدیثی موجود بوده است. هنگامی که فقها به کفایت کتب اربعه یا جوامع حدیثی متأخر باور داشتند، از فعالیت‌های حدیثی دست می‌کشیدند و هنگامی که نقصی در این متون مورد توجه قرار می‌گرفت، فعالیت‌های حدیثی آغاز می‌شد؛ بنابراین اکنون نیازمند توجهی مستقل به حدیث و ظرفیت‌های گسترده آن در تولید علوم جدید مثل علوم انسانی هستیم.

از سوی دیگر کمیت اندیشمندان و طلاب علوم دینی در طول تاریخ تشیع نیز عاملی مهم و تأثیرگذار تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد تعداد طلاب علوم دینی به نسبت جمعیت تشیع و همچنین در مقایسه با اهل تسنن، هیچ‌گاه حتی در دوره فعلی، به اندازه کافی و قابل قبول نبوده است، به طوری که هرگاه ذهن و فعالیت‌های علمی طلاب به علمی معطوف شده، علوم دیگر روی زمین مانده و دچار رکود شده‌اند؛ بنابراین در مواردی رشد علمی مثل فقه و تفسیر موجب ترک فعالیت‌های حدیثی شده است؛ پس نیازمند توجه به تمایز نقش علمی و تقسیم کار مشخص میان طلاب و پرهیز از کارهای موازی خواهیم بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. آقابزرگ، تهرانی. (۱۴۰۳ق). الذریعه الى تصانيف الشيعه. بيروت: دار الاضواء.
۲. احمدی میانجی، علی. (۱۳۷۷). مکاتیب الرسول ﷺ. قم: دارالحديث.
۳. افندی الاصبهانی، عبدالله. (۱۴۰۱ق). رياض العلماء و حياض الفضلاء. قم: مطبعة الخيام.
۴. اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۰). تاريخ ايران پس از اسلام. تهران: نامک.
۵. الامین، محسن. (۱۴۰۳ق). اعيان الشيعه. بيروت: دارالتعارف.
۶. الذهبي، شمس الدين. (۱۴۲۵ق). سير اعلام النبلاء. بيروت: دارالکتب العلميه.
۷. السيوطی، جلال الدين. (۱۴۲۱ق). تدريب الراوی فی شرح تقريب النواوی. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. الصدر، حسن. (۱۳۷۰ق). تأسيس الشيعه العلوم الاسلام. عراق: دارالکتب العراقیه.
۹. الطباطبائی البروجردی، حسین. (۱۳۶۹). جامع احاديث الشيعه. قم: نشر مؤلف.
۱۰. الطوسی، ابی جعفر. (۱۴۰۳ق). الخلاف. قم: مطبعة العلميه.
۱۱. العاملي، حسين بن عبدالصمد. (۱۴۰۱ق). وصول الاخيـار الى اصول الاخيـار. قم: مجمع الذخائر الاسلاميه.
۱۲. العاملي، زين العابدين. (۱۴۰۹ق). (الشهيد الثاني). الدرايه في علم مصطلح الحديث. قم: فيروزآبادی.
۱۳. العاملي، محمد بن حسن. (۱۴۰۳ق). وسائل الشيعه. بيروت: داراحياء التراث العربی.
۱۴. المتقی، علی. (۱۴۰۵ق). كز العمال في سنن الاقوال و الافعال. بيروت: مؤسسه الرساله.
۱۵. الموسوی، محمدباقر. (۱۳۹۲ - ۱۳۹۰ق). روضات الجنات في احوال العلماء و السادات. قم: اسماعيلیان.

۱۶. الیوسفی الغروی، محمدهادی. (۱۴۲۴ق). من تاریخ الحدیث، روايه و كتابه حتى عهد معاويه. قم: مجمع الفكر الاسلامی.
۱۷. پارسانیا، حمید. (۱۳۸۹). حدیث پیمانہ پژوهشی در انقلاب اسلامی. قم: معارف.
۱۸. پارسانیا، حمید. (۱۳۹۲). نظریه و فرهنگ. در: بومی سازی جامعه شناسی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۹. توکل، محمد. (۱۳۷۰). جامعه شناسی علم. بی جا. بی نا.
۲۰. جعفریان، رسول. (۱۳۶۸ الف). مقدمه ای بر تاریخ تدوین حدیث. قم: فواد.
۲۱. جعفریان، رسول. (۱۳۶۸ ب). تاریخ تشیع در ایران (ج ۲). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۲. جعفریان، رسول. (۱۳۷۹). صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست (ج ۲). قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۳. جمشیدی، اسدالله. (۱۳۸۶). تاریخ حدیث. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۴. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم. (۱۳۸۵). گلشن ابرار. قم: معروف.
۲۵. خدایاری، علی نقی؛ پورا کبر. الیاس. (۱۳۸۵). تاریخ حدیث شیعه در سده های هشتم تا یازدهم. قم: دار الحدیث.
۲۶. خلیلی، جعفر. (۱۴۰۷ق). موسوعه العتبات المقدسه. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۷. دهقان منگابادی، بمانعلی. (۱۳۸۳). درآمدی بر تاریخ تدوین حدیث و جوامع حدیثی. تهران: هستی نما.
۲۸. رضوی، رسول. (۱۳۹۶). تاریخ کلام امامیه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۲۹. سبحانی، جعفر. (۱۳۷۱). فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۰. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۹). دور الشیعه فی الحدیث و الرجال نشأة و تطورا. قم: موسسه الامام الصادق علیه السلام.
۳۱. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۹). دور الشیعه فی الحدیث و الرجال نشأة و تطورا. قم: موسسه الامام الصادق علیه السلام.

۳۲. شفیع، سعید. (۱۳۸۸). مکتب حدیثی شیعه در کوفه، تا پایان قرن سوم هجری. قم: دارالحدیث.
۳۳. شیخ صدوق. (۱۳۶۱). معانی الاخبار. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. شیخ صدوق. (۱۳۸۹ق). الخصال. تهران: مکتبه الصدوق.
۳۵. صفره، حسین. (۱۳۸۵). تاریخ حدیث شیعه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم. قم: دارالحدیث.
۳۶. طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران. تهران: علمی فرهنگی.
۳۷. طباطبایی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۸۸). تاریخ حدیث شیعه (۱). عصر حضور. تهران: دانشکده علوم حدیث.
۳۸. طباطبایی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۹۰). تاریخ حدیث شیعه (۲). عصر غیبت. قم: دارالحدیث.
۳۹. عسقلانی، ابن حجر. (۱۳۹۰). لسان المیزان. بیروت: نشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۰. عسکری، سیدمرتضی. (۱۳۸۶). تاریخ حدیث پیامبر. تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۴۱. عسکری، سیدمرتضی. (بی تا). نگاهی به سرگذشت حدیث. بی جا.
۴۲. علیزاده، عبدالرضا؛ اژدری زاده، حسین؛ کافی، مجید و توکل کوثری، محمدعلی. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی معرفت (زیر نظر: محمد توکل، چاپ دوم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۳. غروی نایینی، نهله. (۱۳۸۶). تاریخ حدیث شیعه تا قرن پنجم. قم: انتشارات شیعه‌شناسی.
۴۴. غلامعلی، مهدی. (۱۳۹۲). تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ، درآمدی بر مکتب حدیثی خراسان (دفتر اول). قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۴۵. فرهانی منفرد، مهدی. (۱۳۷۷). مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی. تهران: امیرکبیر.
۴۶. فیض کاشانی، محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی. مکتبه الامام امیرالمومنین علی (ع). قم: دارالحدیث.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دارالحدیث.
۴۸. مجلسی. محمدتقی. (۱۳۹۷ق). روضه المتقین. قم: بنیاد فرهنگ اسلامی.
۴۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۳ - ۱۴۱۱ق). بحار الانوار. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۵۰. مجلسی، محمدتقی. (۱۴۱۴ق). لوامع صاحبقرانی. قم: اسماعیلیان.
۵۱. مدیرشانه‌چی، کاظم. (۱۳۷۷). تاریخ حدیث. تهران: سمت.
۵۲. معارف، مجید. (۱۳۷۶). پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه (چاپ دوم). تهران: موسسه فرهنگی هنری ضریح.
۵۳. معارف، مجید. (۱۳۷۷). تاریخ عمومی حدیث. تهران: کویر.
۵۴. مؤدب، سیدرضا. (۱۳۸۴). تاریخ حدیث. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۵۵. میرخواند محمد بن خاوندشاه بن محمود. (۱۳۸۰). تاریخ روضة الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفا (مصصح: جمشید کیان‌فر). تهران: اساطیر.



References

- * Holy Quran.
- * Nahj al-Balagha.
- 1. A group of researchers from the seminary of Qom. (1385). *Golshan-e Abrar*. Qom:Ma'rouf. [In Persian]
- 2. Afandi al-Isfahani, A. (1401 AH). *Riyad al-'ulama wa hiyad al-fudala*. Qom: Khayam. [In Arabic]
- 3. Ahmadi Mianejji, A. (1377 AP). *Makatib al-Rasoul*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- 4. Al-Amili, H. (1401 AH). *Wusul al-akhyar ila usul al-akhbar*. Qom: Islamic Reconciliation Association. [In Arabic]
- 5. Alizadeh, A. R., Ajdarizadeh, H., Kafi, M., & Tavakol Kowsari, M. A. (1385 AP). *Sociology of Ma'rifat* (2nd ed.). Qom: Research Center and University. [In Persian]
- 6. Al-Tabatabai Al-Boroujerdi, H. (1369 AH). *Jami' al-Ahadith al-Shia*. Qom: Mu'alef publication. [In Arabic]
- 7. Al-Yousefi Al-Gharavi, M. H. (1424 AH). *Min Tarikh al-Hadith, Rawayah va Kitabah Hata Ahde Mu'awiyah*. Qom: Islamic Thought Association. [In Arabic]
- 8. Aqabzorg Tehrani, M. M. (1403 AH). *Al-Dhari a ila Tasanif al-Shia*. Beirut: Dar Al-Azwa. [In Arabic]
- 9. Askari, S. M. (1386 AP). *History of the Hadith of the Prophet*. Tehran: Munir Publishing Cultural Center. [In Persian]
- 10. Askari, S. M. (n.d.). *A look at the story of the hadith*. n.p. [In Persian]
- 11. al-Amin, S. M. (1403 AH). *A'yan al-Shi'a*. Beirut: Dar al-Ta'rif. [In Arabic]
- 12. al-Hurr al-Amili. (1403 AH). *Wasa'il al-Shia*. Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- 13. al-Kulayni. (1429 AH). *Al-Kafi*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- 14. al-Majlisi, M. T. (1397 AH). *Rawda al-muttaqin*. Qom: Islamic Culture Foundation. [In Arabic]

15. al-Majlisi, M. T. (1414 AH). *Lavame Sahebqarani*. Qom: Ismailiyan. [In Arabic]
16. al-Musawi al-Khwansari, M. B. (1392 AH). *Rawdat al-jannat*. Qom: Ismailiyan. [In Arabic]
17. al-Muttaqi al-Hindi. (1405 AH). *Kanz al-Ummal Fee Sunan al-Aqwal wa al-Afal*. Birute: Institute of al-Risala. [In Arabic]
18. al-Sadr, H. (1370 AH). *Establishment of Shiite Islamic sciences*. Iraq: Dar al-Kitab al-Iraqiya. [In Arabic]
19. al-Shahid al-Thani. (1409 AH). *Dirayat al-Hadith*. Qom: Firoozabadi.] In Arabic]
20. al-Shaykh al-Saduq. (1361). *Ma'ani al-Akhbar*. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
21. al-Shaykh al-Saduq. (1389 AH). *al-Khisal*. Tehran: Imam Sadiq School. [In Arabic]
22. al-Suyuti, J. (1421 AH). *Tadrib al-Rawi*. Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
23. al-Zahabi, Sh. (1425 AH). *The journey of announcing the prophets*. Beirut: Scientific Library. [In Arabic]
24. Dehghan Mangabadi, B. A. (1383 AP). *An Introduction to the History of Hadith Compilation and Hadith Communities*. Tehran: Hastinama [In Persian]
25. Farhani Monfared, M. (1377 AP). *Migration of Shiite scholars from Jabal Amel to Iran in the Safavid era*. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
26. Fayz Kashani, M. (1406 AH). *al-Wafi*. Isfahan: School of Imam Amir al-Momenin.
27. Gholamali, M. (1392 AP). *History of Shiite Hadith in Transoxiana and Balkh, An Introduction to the Khorasan Hadith School (First Book)*. Qom: Dar Al-Hadith Scientific and Cultural Institute Publishing Organization. [In Persian]
28. Ibn Hajar al-Asqalani. (1390 AP). *Lisan al-Mizan*. Beirut: Publication of the Scientific Institute for Press.
29. Iqbal Ashtiyani, A. (1380). *History of Iran after Islam*. Tehran: Namak. [In Persian]

45. Razavi, R. (1396 AP). *History of Imami theology*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
46. Safra, H. (1385 AP). *History of Shiite hadith in the twelfth and thirteenth centuries*. Qom: Dar al-Hadith.
47. Shafiee, S. (1388 AP). *Shiite hadith school in Kufa, until the end of the third century AH*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
48. Shaykh Tusi. (1403 AH). *Al-Khilaf*. Qom: Scientific Press. [In Arabic]
49. Sobhani, J. (1371 AP). *Phrases from the history of the Prophet of Islam*. Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Persian]
50. Sobhani, J. (1389 AP). *Dowar al-Shia fi al-Hadith va al-Rijal Nash'a va Tatawora*. Qom: Imam Al-Sadiq Institute. [In Arabic]
51. Sobhani, J. (1389). *The circle of Shiites in hadith and men originated and evolved*. Qom: Imam Al-Sadiq Institute . [In Arabic]
52. Tabatabaei, S. M. K. (1388 AP). *History of Shiite Hadith (1) (Age of presence)*. Tehran: Faculty of Hadith Sciences. [In Arabic]
53. Tabatabaei, S. M. K. (1390 AP). *History of Shiite Hadith (2) (The Age of Absence)*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
54. Taheri, A. (1380 AP). *Political and social history of Iran*. Tehran: Cultural Science. [In Persian]
55. Tawakul, M. (1370 AP). *Sociology of Science*. n.p. [In Persian]